

نقش روسیه در شکل گیری و سرکوب انقلاب مشروطه ایران

الهام جداوی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

یکی از ابعاد تحقیقی درباره‌ی انقلاب مشروطیت، بررسی قدرت‌های بیگانه و نقش آنها است به خصوص روسیه که در ایران دارای منافع و علایق سیاسی - اقتصادی بودند. در این مقاله برآنیم که به چگونگی نقش روس‌ها در انقلاب مشروطه بپردازیم. سپس نقش روسیه در نحوه شکل گیری این انقلاب و در آخر دخالت‌ها و تاثیر روسیه در دوران استبداد صغیر بپردازیم. قسمت آخر مقاله می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که آیا روس‌ها در سرکوب جنبش مشروطیت و فرآیند قیام ضداستعماری و استبدادی ایرانیان نقش داشته‌اند یا خیر. نویسندگان و محققان در ده‌های اخیر بیشتر متوجه استعمار و خطرهای غربی‌ها شده‌اند و به نقش مخرب روس‌ها در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران کمتر توجه نشان داده‌اند.

روسیه و انقلاب مشروطه ایران

روسیه این استعمارگر پیر که پس از وصیت نامه پطرکبیر خواهان دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان بود و در جهت توسعه‌طلبی خود اهدافش را از طریق جنگهای ایران و روس در مناطق قفقاز، ارمنستان و آذربایجان ایران دنبال می‌کرد.

امری که در این قضیه می‌بایست بدان توجه کرد این است که روسیه تزاری برخلاف بریتانیا که در آن مقطع تاریخی همواره هدف اقتصادی خود را دنبال می‌کرد، خواستار توسعه‌ی اراضی در ایران بود.

بنابر این انقلاب مشروطه ایران دارای دو سیاست برای روس‌ها بود.

سیاست اول اینکه انقلاب مشروطه طغیانی علیه سیاست توسعه‌طلبی روس‌ها و حرکتی به سوی حکومت ملی دموکراتیک محسوب می‌شد و منافع روس‌ها را در ایران تهدید می‌کرد به همین سبب دولت روسیه به پشتیبانی از مستبدین و مخالفان مشروطه خواهی برخاست، پشتیبانی از بازگشت محمدعلی شاه و اعلام التیماتوم به ایران جهت اخراج مورگان شوستر، ایجاد اختلال و ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی، نمونه‌هایی از مخالفت‌های روس‌ها با انقلاب مشروطه است.

سیاست دوم نقش و تاثیرگذاری روسیه در بوجود آمدن مشروطه خود در چندین مرحله صورت گرفت که شرح مواقع آن گفته خواهد شد.

تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر جنبش‌های انقلابی در ایران از آغاز جنبش مشروطه خواهی در ایران اندیشه‌های انقلابیون روس بر ایرانیان تاثیرگذار بود.

بعدها در نتیجه انقلاب ۱۹۱۷ روسیه سه جنبش انقلابی در شمال غرب، شمال و شمال شرق ایران بوقوع پیوست که به درجات مختلف از انقلاب در روسیه متاثر بودند.

انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که انقلابی لیبرال دموکراتیک بود ایران را نیز تکان داد.

این انقلاب که ترکش‌های آن تا سال ۱۹۰۷ در روسیه ادامه داشت و مبارزه با استبداد تزاری و تلاش برای اصلاحات اقتصادی و گسترش مناسبات دموکراتیک را هدف خود قرار داده بود، در خود روسیه به نتایج چندان ملموسی نرسید و دستاوردهای آن پس از مدتی توسط تزاریسم بازپس گرفته شد، اما بر روی کشور همسایه ایران تاثیری انکارناپذیر داشت. می‌توان گفت که انقلاب سال ۱۹۰۵ در روسیه تکانه‌ی نیرومندی در ایران ایجاد کرد و بر حوادث انقلاب مشروطه تاثیر گذاشت.

در زمان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حدود ۱۰۰ هزار کارگر فصلی یا مهاجر ایرانی در میدان‌های نفتی باکو، در جاده‌کشی‌های آسیای میانه یا در بنادر دریای خزر کار می‌کردند. از آن میان ۷ هزارتن فقط در شهر باکو می‌زیستند. اینان از همان زمان به تدریج با افکار و ایده‌های انقلابیون روس آشنا شدند و در انتقال این افکار و ایده‌ها به ایران نقش داشتند. از همان ایام پیوندهایی میان انقلابیون دو کشور برقرار شد.

میزان تاثیر تشکیل دوما در روسیه و تحولات آن بر مشروطه ایرانی

شکست نظامی روسیه در جنگ با ژاپن که به تاسیس دوما انجامید، بلافاصله هراس از روسیه قدر قدرت را در ذهن ایرانیان از میان برد.

هنگامی که اعتصابات توده زحمتکش در روسیه از هشتصد هزار تا دومیلیون افزایش یافت و قیام‌های دهقانان، کارگران و سربازان دومای مشورتی را به دومای قانون‌گذاری بدل ساخت، ایرانیان به سرنوشت خود دلگرم شدند. اما سرکوب انقلاب روسیه در تابستان ۱۹۰۷ نیز اثری برای جنبش انقلابی ایران در پی نداشت و ارتجاع دربار قاجار را به جلب حمایت حکومت تزاری برای سرکوب مشروطیت سوق داد. به هر رو، تشکیل دو دومای مشورتی و دوم قانون‌گذار در روسیه تاثیر انکارناپذیری بر ایران گذاشت.

تاثیر انقلاب روسیه که تشکیل دوما یکی از پیامدهای آن بود بسیار موثر افتاد. به ویژه در میان مردم عادی که به طرق گوناگون از جمله بازگشت کارگران فصلی ایرانی که در قفقاز کار می‌کردند، به گوش آنان می‌رسید. باید توجه داشت که قهوه‌خانه‌ها و مساجد مراکز پخش اطلاعاتی از این نوع بودند. سبک کار پخش‌های اعلامیه‌های دستی (شب‌نامه) در دوران مشروطیت، خود از راه قفقاز به ایران رسوخ کرده بود.

علیرغم دخالت‌های آشکار و پنهان روسیه در ایران نباید از یاد برد که انقلابیون ایران در آغاز از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه الهام‌های زیادی گرفتند و به تبعیت از حرکت‌های آزادی‌خواهانه در روسیه، روحانیون پیشاپیش مردم، ناراضیتی خود را از حکومت شاه و صدر اعظم وی نشان دادند. تجار که از تعرفه‌های جدید گمرکی سخت ناراضی بودند، به جنب‌وجوش آمده و علیه مسیونوز بلژیکی و همکاری پریم که همیشه دست پنهان روس‌ها بودند تظاهرات وسیعی به راه انداختند و بازارها نیز تعطیل شدند.

هنوز که سخت متمایل به سیاست روس‌ها بود، با تعرفه‌های جدید گمرکی خود، بازارهای ایران را برای کالاهای روس گشود و اندک صنعتی که در ایران بود به حال احتضار افتاد.

از دیگر عوامل موثر در شکل‌گیری انقلاب مشروطه اعطای وام‌های چند میلیونی روسیه به ایران بود که دومین وام، ایران را به کلی به صورت مستعمره اقتصادی روس در آورد. خبر وام‌های پی در پی و سفرهای پرهزینه مظفرالدین شاه به فرنگستان در حالی که مردم در فقر و مشقت دست و پا می‌زدند، موجب شدت گیری اعتراض‌های عمومی گردید.

از دیگر اقدامات روس‌ها در شکل‌گیری مشروطه در ایران از سویی و وابستگی دربار ایران به روسیه از سوی دیگر همراه با زیان‌های ناشی از واگذاری امتیازات اقتصادی دولت قاجار به قدرت‌های استعماری، دامنه ناراضیتی عمومی را افزایش داد و روسیه را به طرح اقدامات نوینی بر علیه انقلابیون واداشت. از این رو روس‌ها به پشتیبانی از بازگشت محمدعلی شاه، اعلان اولتیماتوم جهت اخراج مورگان شوستر، مخالفت آشکار با اصلاحات مشروطه‌خواهان، ایجاد اختلال، ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی اقدام نمودند.

نقش روسیه در بعد از انقلاب مشروطه (نقش سرکوب)

وصیت‌نامه پطرکبیر منشور منقوری بود که سر دمداران روسیه با سماجت و اراده‌ای آهنین در پی اجرای آن بودند، منشوری که اساس سیاست روسیه در ایران را از سال ۱۶۸۹ تا به امروز ترسیم کرده است. در این منشور آمده است، «باید کاری کرد که ایران روز به روز تهیدست‌تر گردد و رو به ویرانی رود و چنان به حال احتضار در آید که دولت روسیه هرگاه بخواهد بتواند بی دردسر آن را از پای در آورد. گرجستان وقفاز، رگ حساس ایران است همین که نوک نیشتر استیلای روسیه به آن رگ برسد فوران خون از دل ایران بیرون خواهد زد. هر قدر ممکن است خود را به خلیج فارس نزدیک کنید.»

از امتیاز صید ماهی تا معادن و جنگل‌های شمال در اختیار روسیه بود. در چنین فضایی بود که فریادهای قانون‌طلبی از دل دردمند روشنفکران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران آن دوران بلند شد و جامعه را به مبارزه علیه استبداد فراخواند. اندیشمندان در داخل و خارج به بیداری افکار مردم و تعریف مفهوم وطن، قانون و آزادی همت کردند.

قرارداد ۱۹۰۷ باعث شد دست روسیه در سرکوب انقلاب مشروطه باز گذاشته شود. روسیه نیز پس از سرکوب انقلابیون جوان ۱۹۰۵ از انقلاب مشروطه هراسناک بود زیرا جنبش مشروطه ایران مجدداً آزادی خواهان روسیه و قفقاز را به حرکت درآورده بود و جانی تازه در کالبد انقلاب روسیه دمیده بود.

بنابراین روسیه بیش از محمد علی شاه خواهان سرکوبی مشروطه در ایران بود. محمد علی شاه دست پرورده ی لیاخوف روسی بود که از تبریز او را با خود به همراه آورده بود. لیاخوف فرمانده قزاقان تهران شد و عده‌ای آشوب طلب را به میدان توپخانه فرستاد تا آماده حمله به مجلس شوند. بهارستان به خون کشیده شد و جنگ چهارساعته با پیروزی لیاخوف روس به پایان رسید. طی سال‌های بعد خصوصیت روسیه نسبت به انقلاب مشروطه تداوم یافت. نظامیان روس در ادامه جنایت خود روز ۱۰ فروردین ۱۲۹۱ شمسی بارگاه امام هشتم را به توپ بستند در پی این حادثه سردرها و گلدسته‌های حرم خراب شدند و خزانه حضرت نیز غارت گردید و دست کم ۲۰۰ تن از زائران نیز به شهادت رسیدند.

روسیه همزمان در فرایند قیام ضد استعماری و استبدادی ایرانیان نقش و نفوذ سیاسی و نظامی گسترده‌ای در ایران داشت و با نفوذی که در دربار ایران به دست آورده بود، به طور مسلم تمام تحولات سیاسی، اجتماعی ایران را زیر نظر داشته، در آنها دخالت می کرد.

به عبارت دیگر از آنجا که موضع‌گیری‌ها، فعالیت‌های دیپلماتیک، سیاست‌های انبساطی و انقباضی آنان، در شاه قاجار، مجلس و مردم ایران و همچنین دادن وام‌ها و تسهیلات مادی به شاه یا مضایقه از آن و اعزام نیروی نظامی به داخل ایران و... سرنوشت جنبش مشروطیت را تغییر داده است.

نویسندگان بسیاری متون کلاسیک برجسته‌ایی را مستند کرده‌اند که ضمن یادآوری اهمیت مرور خاطرات دوره مشروطه و علاوه بر فهم و شناخت فضای فکری و اجتماعی نقش پیگانگان را در این چارچوب یادآور شده‌اند.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب‌های تاریخ بیداری ایرانیان از ناظم‌الاسلام کرمانی و تاریخ مشروطه ایران نوشته ی سیداحمد کسروی است. هرچند تاریخ مشروطه کسروی تصویرسازی مشروطه به ویژه در شهر تبریز است. اما تاثیر پذیری روشنفکران تبریزی را از قفقاز و انقلاب روسیه نباید نادیده گرفت.

پس از حمله به مجلس و پخش خبر آن، در شهرهای دیگر ایران، شورش‌هایی برخاست. علی مسیو و پسرانش، ستارخان، باقرخان و حیدر خان عموغلی در تبریز و سردار مریم و سردار اسعد بختیاری به بسیج مردم و سازماندهی نیروی مسلح (مجاهدین مشروطه) برای مقابله با نیروهای دولتی برخاستند. در این اوقات کمیته ستار در گیلان تشکیل شده بود.

پیروان ارمنی با مشروطه‌خواهان هم پیمان شد و جوانان ارمنی را برای نهضت مشروطه‌خواهی بسیج کرد. در همین هنگام محمودولی خان تنکابنی از تبریز بازگشته بود کمیته ستار با او مذاکره کرد و او را راضی کرد با نیروهایش، برای پیروزی جنبش مشروطه به مبارزه برخیزد.

نیروهای مجاهدین گیلان و بختیاری در ۲۸ تیر ۱۲۸۸ وارد تهران شدند و شاه و اطرافیانش به سفارت روس پناه بردند. بعد از فتح تهران و گشایش مجلس باز هم تحریکات، به خصوص روس‌ها ادامه داشت.

روس‌ها محمدعلی شاه مخلوع را دوباره به ایران برگرداندند تا مجلس را از کار و کوشش باز داشته و سازمان شوستر را برانندازند. اما چون مردم و مجلس و سران آزادی هم آواز بودند. نقشه‌ها نقش بر آب شد و در پاییز ۱۲۹۰. ش نیروهای محمدعلی میرزا درهم شکست و او باز به روسیه گریخت.

روسیه تزاری با مشورت انگلستان روز چهارشنبه ۷ ذیحجه سال ۱۳۲۹. ق برابر با ۷ آذر ۱۲۹۰. ش اولی‌ماتوم سختی به دولت ایران تسلیم کرد و به موجب آن از دولت ایران خواست که مورگان شوستر و همراهان هرچه زودتر ایران را ترک کنند و دولت متعهد شود که در آینده برای استخدام مستشاران خارجی رضایت قبلی دولتی روس و انگلیس را جلب کند و نیز مخارج لشگرکشی روس را به ایران عهده‌دار گردد.

اما مجلس ایران اولی‌ماتوم را با اکثریت قریب به اتفاق رد کرد و مردم در تبریز و گیلان به ایستادگی خود افزودند. روس‌ها نیروی جدیدی به ایران آوردند و در تبریز، رشت، مشهد و شهرهای دیگر کشت و کشتار به راه انداختند.

عاقبت در سال ۱۲۹۰ دولت ایران اولی‌ماتوم را پذیرفت و ناصرالملک در مجلس را بست و سازمانهای ملی را با اعلام حکومت نظامی ممنوع کرد.

روز دهم محرم ۱۳۳۰ ه. ق (۱۰ دی ۱۲۹۰) روس‌ها جمعی از بزرگان و پیشروان از جمله ثقه‌السلام تبریزی را به دار کشیدند. کشتار تبریز ماه‌ها ادامه یافت. روس‌ها صمدخان شجاع‌الدوله حاکم مراغه، را به حکمرانی آذربایجان گماردند و به دست او از هیچ گونه شقاوت و وحشی‌گری درباره مردم آذربایجان فروگذار نکردند.

روس‌ها در قزوین و تبریز از مردم مالیات می‌گرفتند و مانع حرکت نمایندگان آذربایجان به تهران می‌شدند، اسناد منتشر شده نشان می‌دهد که روس‌ها خطر انقلاب تبریز و پیروزی مشروطه‌خواهان را جدی می‌گرفتند و برای جلوگیری از اشاعه آن حاضر بودند دست به هرکاری بزنند فی‌المثل از بین بردن مجاهدین تبریز و از بین بردن تشکل آنها بود.

بعد از محمدعلی شاه مخلوع، ناصرالملک، نایب‌السلطنه بار سنگین سلطنت را بردوش ناتوان احمدشاه جوان گذارد. چند ماه از تاجگذاری وی نگذشته بود که جنگ جهانی اول، که از مدت‌ها پیش زمینه آن فراهم می‌گردید، آغاز شد.

هرچند این جنگ بدبختی و فلاکت بسیار به بار آورد. اما تا حدی طوق استعمار را بر گردن ایرانیان گشادتر کرد چرا که شکست روسیه تزاری در جنگ و انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، ایران را که در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ در آستانه چند پارگی بود از جنگ استعمار روس رهایی بخشید.

نتیجه‌گیری:

قیام مشروطه مهمترین رویداد سده سیزدهم هجری است که به رهبری روحانیت وقت و با پشتیبانی مردم آغاز شد.

دولت‌های استعماری با دقت خاصی وقایع مشروطه در ایران را از نزدیک زیر ذره بین قرار داده بودند استعمارگران تازه طعم نفت ایران را چشیده بودند و مشروطه می‌توانست منافع آنها را به خطر بیاندازد پس دول استعمار به خصوص روسیه کوشیدند تا مشروطه را از مسیر خود منحرف سازند.

از آن جمله به توپ بستن مجلس بود. شاید بتوان چنین متصور شد که اگر دخالت بیگانگان در انقلاب مشروطه وجود نداشت، سرنوشت انقلاب نیز تغییر می‌کرد. نقطه‌ی اوج دخالت‌های بیگانگان در جریان انقلاب مشروطه را می‌توان در دو مساله عنوان کرد: یکی به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه به یاری روس‌ها و دیگری عقد قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به مناطق تحت نفوذ دو کشور روسیه و انگلیس تقسیم کرد. پس در نهضت مشروطیت مشاهده می‌کنیم که از یک سو کشور استعمارگری چون روسیه در ایران با ادعای دلسوزی و حمایت از مردم و اعطای آزادی به میدان می‌آید و از سوی دیگر طمع می‌کند و به ایران دیده می‌دود تا بتواند با ادعاهای منافقانه و دروغین حمایت از استقلال و آزادی مردم و مشروطه را در این سرزمین مستقر کند و مجلس قانونی به ارمغان بیاورد. اما درنهایت هر چه بود دولت استعماری

روس و انگلیس که هر بار منافع نامشروع و ضدانسانی آنها ایجاب می‌کرد در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند، در نهضت مشروطه نیز در نهایت بر سر یک سفره نشستند و هر دو به این نتیجه رسیدند که باید کار دیانت را ساخت و روحانیت را از صحنه بیرون انداخت و کسانی را بالا کشاند و بر اریکه قدرت نشاند که در مسیر تحقق منافع انگلیس و روسیه حرکت کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دوانقلاب، عزیزمحمدی و ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی ۱۳۸۲
- نیکی آرکدی، ریشه های انقلاب ایران، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۷
- دنیس رایت، ایرانیان در میان انگلیسی ها، ترجمه کریم امامی، تهران انتشارات نشرنو، ۱۳۶۵
- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران ایران، تهران نشرعلمی فرهنگی، ۱۳۷۶
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران
- رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه داری، تهران، نشرشمع، بی تا، ج اول، ص ۸۷-۸۹
- انقلاب مشروطیت (ازسری مقالات دانشنامه ایرانیکا) ترجمه: پیمان متین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲